

د افغانستانی همایون



د مدنی او مترقبی ملي یو والی هخونکی

21 September 2003

۱۴۲۴ رب جم ۱۳۸۲ - ۳۰ یکشنبه

لومپی کال، نهمه گنه

د لوی حقیقت سره تماس

هغه ستر حقیقت سره تماس اونه هم دده د ویناله ټولو دي، ډیرې ژوري او هر نیس په چه (طلوع) مطالبو سره توافق لري. طلوع اړخیزی نیوکی د دوی پر افغانستان) د هغه په پوره افغانستان لکه چه په اتو آدرس کړیدي او په راتلونکي ژورتیا او د هغود هري برخې تیرو خپرو شوو ګنو کې بې کې به هم د لزوم په صورت کې هغې د اهمیت سره، سره او د او هر تکي روښانولو لپاره لیدل شویدي په دی دلیل سره دغه کار وشي سره چه تر ټولو د مخه او تر هر مبارزه کوي.

چه محترم کرزی دولتي او هغه (ستره حقیقت) چه هم په ځانګړو هڅو سره وطنی لوړنې مسؤول شخص (طلوغ افغانستان) د افغان چه د داسې مطالبو د لاس ته وکولاني شول دغه متن له یوه راپرلو وړ او مستحق بدل بين المللی آرشیف خڅه لاس کېږي. په دولتي مطبوعاتو او د دولت ترانحصار لاندې سره د خپریدو لپاره برابر خپرونو کې خپره نشوو. دا چه کړو.

دغه کار انگیزه تدبیریا دغه راز باید و وايو چه د دغې وینا خپرول د موبوله خوا، دا تعلل او سور خیزونه و په معنی نلري چه طلوع بیرونی توګه خه نشو ويلاي، افغانستان د جناب حامد شروعه خایه پورې چه د دغې وینا محتوا په قوي ډول له کرزی د تبلیغ لپاره کار کوي

تب تاپه ...

صاحبہ ظریف نظر با مولوی تره خیل

گرامی میداریم:
ظریف نظر ژورنالست
صاحب! میخواستیم راجع
به مسایل دینی و کسانیکه در
دوران هجوم قوای
شوریی به نام اسلام ګروپ
هایی جور کردن، احزاب
 مختلف جور کردن باز هم

(ص ۵)

افغانستان: دو سال پس از طالبان

صف ۳

شهید احمد شاه مسعود، در هر صورت، شخصیت ماندگار در تاریخ افغانستان است. قضاوت در مورد این ګونه شخصیت هارا اساساً باید به عهده تاریخ گذاشت تا با بر ملاشدن تمامی مطالب سری و جمع آوری و تحلیل همه ګونه اسناد و حقایق مربوط در فضای عاری از غرض و مرض متحقق گردد. م بخواهیم یا نخواهیم تاریخ کار خود را می کند و هیچ ګونه جعل تاریخ هم جز در چند صباح کوتاه ارزشی نداشته و جایی رانمی گیرد. طی دو سال اخیر مردم افغانستان و جهانیان شاهد خیلی حرکات و نمایشات به نام تجلیل از این شهید بوده اند. اما در این اواخر، احمد ولی مسعود برادر انجینیر شهید احمد شاه مسعود طی کنفرانس مطبوعاتی در لندن، جاییکه به حیث سفیر دولت انتقالی افغانستان ایفا وظیفه می کند، در مورد وفاداری و صداقت رهبران به اصطلاح اتحاد شمال نسبت به اندیشه ها، راه و کلتور شهید مسعود شک و تردید های جدی ابراز داشته است.



دنیا از افغانستان فراتر از پلن مارشال" مدیون است!

زمود کړنلاره: ملي مصلحت، ملي تفکر، ملي تدبر

... و آغازی دیگر
به نام "ب الناس" و "ب العالمين"
در نیمه اول سال جاری هشت شماره جریده طلوع افغانستان نشر و در مرکز و برخی از مناطق اطراف کشور خدمت هموطنان علاقه مند تقديم گردید. با اینکه نشرات حالت امتحانی و ارتجالی داشت به استقبال قابل اعتمادی روپرورد و در گستاخی که پیش آمد، بیتابی پرسشگره خواهند گان نشریه در مرکز و بسیاری از ولایات و حتی شماری از ولسوالی های کشور کاملاً محسوس بود که بطور قناعت بخشی ضرورت قانونمند تداوم نشرات طلوع افغانستان را تاکید می نمود. خوشختانه توفیق دست داد تا نشرات اساسی جریده را با اسلوب و میتدود کاری دقیق و مطلوب تر، به طریقه اساسی تر سامان دهیم. از آنجا که نام دیگر طلوع افغانستان اعتدال و خط نشراتی آن همان مصلحت ملی، تفکر ملی و تدبر ملی است، ستراتیژی مطبوعاتی ما عطف در جهت نیل به آرمان ستگ وحدت ملی مدنی و مترقبی افغانها است، نگاه ما به آینده و ایجابات و فرایض آنست، اگر به کاوش گذشته هم میپردازیم بخاطر تلالو و گسترش افق های آینده است. به مقتضای ایده ها و آرمان نشراتی بالند، مستدل، مستند و مسؤولانه، کمال مساعی را مبذول خواهیم داشت تا از زبان و بیان خسته کن کلیشه بی نیز احتراز نماییم. حقیقت بسیار بزرگ، که دریافت کامل و احاطه ملی بر آن، کاری سخت ولی ضرورتی بی نهایت مبرم میباشد، اینست که از سالیان متولی نه، که از قرون متولی، وطن نیاکان و هموطنان ما با تمامی اقسام و طبقات و نسل های آن (شاه تا گدا) قربانی سیاست ها و منافقت های بزرگ این و آن گردیده و در بزکشی های زورمندان عالم، پاییمال و لگد کوب آنان باقی مانده اند و به همین دلیل حماسه های قهرمانانه آزادی خواهی و دشمن سیزی بار بار در تاریخ خون آسود و رنجبار م، به آزادگی پر غنا و آبادی وطن و سرزمین اجدادی و به رفع و دفع فقر و فاقه و جهل و مرض در خاک و خطه ما نیانجامیده است. به همین دلیل است که میهن حداقل صاحب پنج هزار سال تاریخ درخشنان، با مدنیت ها و معنویت های منحصر به فرد آن در اعصار قدیم، طی قرون جدیده به حیث عقب مانده ترین کشور و دارای پاییترین شاخص های اوسط عمر، در آمد سرانه، عاید ملی، سطح سواد، معیار های علم و صنعت و حرفه و زراعت و غیره در جا مانده و به استثنای حالات جنگ و تنابع و خودکشی و برادر کشی حتی نام آن از ذهن جامعه بشری به دور افتاده است. با دریغ و درد که مردم پر استعداد و زحمت کش مارا چنان مستاصل و محروم از محلات و امکانات کار تولیدی و فرهنگی نگه داشته اند که برخی افراد و گروه ها حتی ویرانگری و سوختن وطن، تاریخ و تمدن نیاکان و کشت و کشتار خواهان و برادران خود را نیز بدل مزدی (کار) پنداشته و به آن مبادرت ورزیده و عده بی هم به سان حشیش و تریاک و هیروین به آن معتقد شده اند. در همچو شرایط کار علمی و ژورنالیستیک و فرهنگی ارزش و ضرورت بی نهایت مبرمی دارد. هر چه این کار کمتر، کم رنگتر و مبتذل تر شود، کاری مبنی بر جهل و جنگ با ابزار عصبیت و تفکر بالا میگیرد که مرگ بار می آورد و ویرانی و تباہی. باری اکنون ما در عصری دیگر، عصر کاملاً استثنایی، با امکانات و فرصت های استثنایی و با ارزش های استثنایی قرار داریم. (ص ۶)

المنصة "العنبر" مشت نمونة خروار

گفته‌ی است که افسای این مسایل به مثابه بمبی در مطبوعات جهان انعکاس نموده و باری جهانیان را به حقایق اوضاع در افغانستان منهمک گردانید ژورنالیست نذیره کریمی در این زمینه با زلمی خلیل زاد نماینده خاص رئیس جمهور امریکا در امور افغانستان نیز مصاحبہ بی کرده و نظرش را پرسیده است. محترم دکتور خلیل زاد میگوید: تاجاییکه از مطبوعات من شنیده ام، این کاریکه شده یک تعداد مردم را طبعاً متاثر ساخته و مشکلاتی برای آنها به وجود آورده و این نشان دهنده چیز خوب است در افغانستان که همچو کارهاییکه می‌شود، پنهان نمی‌ماند. مردم صدای خود را به گوش دنیا رسانیده می‌توانند. نظر من این است که هر کاری در افغانستان می‌شود، مطابق قانون و بر اساس احترام حقوق مردم باید صورت بگیرد و این قابل تاسف است، که اگر کاری صورت بگیرد که از چهار چوب قانون بیرون بوده، و احترام حقوق مردم افغانستان را مطابق قوانین بین‌المللی تامین نکند. موصوف به پاسخ پرسش دیگری می‌افزاید:

قومندان امنیه وزارت داخله تصادف نمود که در جریان آن عده قابل ملاحظه از اهالی شیرپور شهر کابل مجبور گردیدند، خانه های خود را در حالیکه هنوز اموالشان را بیرون نکرده بودند تخلیه نمایند، این خانه ها فوراً توسط بلدوزر هاییکه آماده بود به امر پولیس تخریب گردید. یک روز پستر طی کنفرانس مطبوعاتی دیگری کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان این عمل را یکی از ۶۳۴ موردی خواند که طی آنها حقوق بشر در سراسر افغانستان

جدید افغانستان فصلی یا ماده بی برای به رسمیت شناختن حقوق بشر و اجرای آن وجود ندارد او این امر را یک مشکل اساسی در روند بازسازی و تضمین موضوع حق مسکن خواند. آقای کاتوری تاکید کرد که دولت افغانستان باید یک سیاست روشن در مورد ملکیت خانه و زمین ایجاد کند به گفته او دولت و سازمان های خارجی بر طی رسیده گی به موضوع مالکیت زمین و حق مسکن برنامه ریزی

المللی در مقابل نقض حقوق بشر در افغانستان بویژه توسط اعضای دولت، نرمش نشان میدهد: جامعه بین المللی نباید در مورد نقض حقوق بشر در افغانستان هیچ سازش را پذیرد. در صورتیکه نقض حقوق بشر دیده شود، جامعه بین المللی باید با قاطعیت بر خورد کند. وی موکداً گفتہ که به نظر من مدارا در این مورد درست نیست وقتیکه نقض حقوق بشر از سوی اعضای دولت

دوكتور خليل زاد: پيامدهاي عملی و

افغانستان صورت گيرد.

آقای کاتوری که از چند ولایت افغانستان دیدار کرده معتقد است که فساد اداری و ضعف کارهای ادارات بخصوص در

ویلن کاتوری گزارشگر ویژه
سازمان ملل متحده در مورد حق مسکن
هفته سوم ما سبده ۱۳۸۲ در یک
کنفرانس مطبوعاتی گفت برخی از وزیران
و مقامات بلند رتبه دولت افغانستان
مستقیماً در غصب ملکیت ها، زمین و خانه
مردم دخیل هستند. وی که به منظور
بررسی وضعیت مسکن و همچنین مسئله
بیجا شده گان داخلی - افغانستان سفر
کرده است می گوید که باید اصلاحات
جدی در بخش امنیت صورت گیرد که این
اصلاحات شامل بررسی نقش آقای فهیم
وزیر دفاع افغانستان نخواهد بود.

وزیر دفاع افغانستان بیرون گواهند بود.
به قول عزیز حکیمی گزارشگر رادیو بی بی
سی وی تاکید نموده است: من فکر می
کنم تا وقتیکه آقای فهیم قصد داشته باشد
وزیر دفاع باقی بماند و توانایی مستقیم و
غیر مستقیم تسلط به زمین و جان دیگران
را داشته باشد آینده این کشور تاریک است.
علاوه بر آن آقای کاتوری از یونس قانونی
وزیر معارف افغانستان، مسوولان شاروالی
کابل، برخی از فرماندهان تحت امر وزیر
دفاع، برخی از فرماندهان محلی در شمال
افغانستان راجع به مسوولیت شان در
عملکرد های مشابه اظهاراتی نموده است.
کاتوری فکر می کند که جامعه بین

پیامدهای عملی و تحقیقی حوادث "شیرپور" مثبت است، پیشرفت را نشان میدهد

بی رحمانه، بی باکانه و سیستماتیک نقض می گردد. مسئله بخاطری جدی است که اراضی مورد نظر ساحه شیرپور منطقه قیمت بها بوده و از اینکه به دلیلی ملکیت وزارت دفاع شمرده میشده است طی زد و بند های شماری از وزیران کابینه دولت افغانستان، فرمادندهان نظامی و اشخاص متنفذ این زمین ها را میان خود قسمت نموده و حتی بعضًا پیش از پیش نمرات سهمیه خود را با قیمت های گراف در بازار سیاه به فروش نیز رسانیده اند

مشخص ندارد، بگفته آقای کاتوری هزاران خانواده بی سر پناه در افغانستان وجود دارد که نیاز های آنها توسط سازمان های بین المللی و نه توسط دولت افغانستان برآورده شده است و به نظر میرسد که هیچ برنامه بی نیز برای ارزیابی این نیاز های مردم بی سر پناه وجود ندارد.

این کنفرانس مطبوعاتی به تعقیب حوادثی که عبارت بود از عملیات خشونت با، بولسی، به، هن، هن، پس سالنگ،

آقای کاتوری که از چند ولايت افغانستان دیدار کرده معتقد است که فساد اداري و ضعف کارهای ادارات بخصوص در دستگاه قضائي افغانستان باعث شده است. که موضوع حق مسکن و زمين در آن به بحران پيچide يي درين كشور بدل شود. کاتوری گزارشگر ويژه ملل متعدد در مورد حق مسکن گفت که در قانون اساسی

ملسوں و دموکرات ہائی افغانستان!

برای برگشت ناپذیر ساختن تحولات مثبت در کشور متحد شوید.

سپرک خراب شی او هم د افغانستان
هغه بچی چی طالب دی سبق وايی
هله هغه به مره شی او په بلاک کړ شی.
دادې خوک ولی، یادې خوک بندی
کړی خود مور او پلاری ژوند بریاد
شی، بندی هم شی په دی جرم، ترسو،
شل، دیرش کاله به وی د هغه ژوند هم
بریاد دی. که مرشو هغه هم د
افغانستان یوبچی دی او که دی سپرک
خراب کړ او نیول شود افغانستان
بریادی ده، او که بیرته و تستیدی،
ولای پاکستان ته هم د افغانستان
خرابی ده، سپرک یې وران شو، دا
ستاسی د افغانستان مساله ده. دیر
می زړه درد و کړ پردي خبره. خوشې
بعد په لوګر کې مكتب وسوزول شو. او
په سبا یې کوم خبرنگار، کوم چاعکس
خیستی و چې دا کوچنیان بیرته په دا
سیمه، مكتب کې ناست وومكتب بې
سوی، او ویل یې زمونږ مکتبونه خو
خیمي دی، دا کوچنیان بېیرته په
دا خیمه کې ناست او سبق یې وايه
مكتب بې نه پرېښوده.

لَهُمْ يَقْرَئُونَ ... قَاتِلَيْنَ هُمْ هُنَّ

په نامه مړه شو، خوک د عام ولس په
سامه شهیدان شو.
زماده ره خوابده وه. هغه بله ورخ چارا
ته وویل چې په غزنی کې دوه نفر
نیولی دی، او د اداوره هلکان دی. د اته
نه اوایا لسو کالو خواند دی او د
دوی سره یې بم او نور شیان نیولی دی
او تحقیقات چې حینې وشول. چې خه
کوئ، خه ته راغلی یاست؟ دوی د یو
عالمنوم اخیستو، د پاکستان په
چمن کې چې دی عالم موږ ته وویل
چې ولډشی افغانستان ته، د عالم
نوم نه اخلم، هغه زه پیژنم، ماته مناسبه
نه ده چې نوم یې واخلم، موږ ته یې
ویلی چې ولډشی افغانستان ته، او
هغه خلک چې په سړکانو کار کوي، مړه
کوئ بې، نوماته عجیبه وبرینبیده چې
مدرس خود علمیت، د دین، د

اخلاقو، دصلحي، دنيکي خاي دي،
هفه هلکان د افغانستان چي هله د
تعلیم، د علم د طلب لپاره تللي دي.
ددې پر خاي چي قرآن ورزده کړي ددي
پر خاي چي پر دين يې پوه کړي، تعلیم
ورکړي ورته واي چي ورشنه
افغانستان ته، او هغه خلک چي په
سرک کار کوي او سرکان جورو وي هله د
ېږي مړه کوي نو په دې رقم هم زموږ

نمونه یې د جناب بن لادن او د هغه د مرستیال وروستى برپتنه خرگندیدل دي چه د نړيوالوسترن ګوتهد لوی توطي په بنه په افغانی جامه او لباس کي خانونه وښوول. دنيا والودغو بناغلو ته بايد ووايي: به هرنګي که خواهی جامه می پوش من از طرز خرامت می شناسم مگر افغانان ورته وايي او بايد ووايي: بناغلو! خپله ردا او چهل تار واغوندي، نور، بس دی هسخ وخت افغان ولس له تاسو او تاسو له افغان ولس سره هیڅ راز اړیکې نه درلودي او نه به یې ولري!!

جوتنه کړي داده چه د اسـتادانـسي
قوتونه، قولني، (اسـتادانـ)
او (عالـمانـ) شـتـهـ او، وه، چـهـ غـواـيـ
افغان ملت نـړـيوـالـوـتـهـ يـوـخـونـپـيـ اوـلهـ
تمدن خـخـهـ نـاخـبـرـهـ مـلـتـ وـرـ پـېـشـنـيـ
هـغـوـ پـېـورـهـ سـنـجـوـلـ شـوـيـ اوـ عـالـمـ نـماـ
توـګـهـ اوـ دـېـرـهـ حقـ پـهـ جـانـبـ خـيـرـهـ نـړـيوـالـ
تهـ دـ اـفـاـدـهـ وـرـ کـوـلـهـ چـهـ اـفـغـانـانـ
روـسـتـهـ پـاتـيـ ، سـرـتـمـبـهـ، لـهـ تـعـصـبـ
خـخـهـ ډـکـ خـلـكـ دـيـ چـهـ پـهـ رـاـشـهـ دـرـشـهـ نـهـ
پـوهـيرـيـ اوـ نـشـيـ کـوـلـهـ پـهـ مـسـتـقـيمـهـ
توـګـهـ لـهـ نـورـ وـرـهـ اـړـیـکـېـ وـسـاتـيـ يـاـ
اـړـیـکـېـ تـینـګـیـ کـړـيـ نـوـلـزـمـهـ دـ چـهـ
دـوـءـ دـ ډـېـ قـېـ بـهـ اـسـطـهـ لـهـ زـبـ الـ

سره ونبسلول شي او تر قيموميت لاتدي
ژوند وکري، نريوال دي ديلانس په
واسطه له افغانانو سره خپل اړي کي
جوري کري. دغه هخې نوي نه دي لو تر
لره د ((ديورند)) له پروژي خخه د
طالبانو تر پروژي او بیا د دیورند لاین
خخه آخوا د طالبانو استادانو تر هلو
څلويوري غزیدلی دي، په سیمه کي
چيوپوليتیک بدلون سره سم چه ئینې
ګاوندیان خپل ستراتیژیک اهمیت له
لاسه تللی ويني نوم په ډیره سرتمبگی
او سپین سترګتوب خپل دغنو ناپرو
مه ته که شهدان شه، خه اک د طال



افغانستان: دو سال پس از طالبان

که گریزیست با سایر گروپ‌ها یکجا شده‌اند. نطاقد طالبان گفته است که اکنون در صفحه جنگجویان آنها افراد طرفدار عبدالرب رسول سیاف و برہان الدین ربیانی نیز قرار دارند.

الحضر ابراهیمی نماینده خاص ملل متحد در افغانستان گفته است که او از این اندیشه دارد که در فرماندهی امنیت عملیه دموکراتیک ساختن و انتظام سیاسی افغانستان که پس از سقوط رژیم طالبان تحت نظارت سازمان ملل متحد به جریان افتاده است با خطر موافق خواهد شد. ابراهیمی در یک راپور به شورای امنیت سازمان ملل متحد مطلع موضوع انتخابات را تازمان به وجود آمدن یک فضای بآمن و یک دولت قوی بی ثمر دانسته است. در هفته گذشته ابراهیمی در یک مصاحبه گفت: مردم خواهان امنیت هستند هرگاه ما براستی می خواهیم که با دولت‌های عبوری کمک کنیم باید این حقیقت را از نظر نیندازیم که مردم از همه اولتر خواهان حاکمیت قانون می‌باشند. بطور اساسی صلح در افغانستان از دو جانب تهدید می شود: یک طرف طالبان و حامیان آنها در پاکستان هستند و در جانب دیگر آن عده بی از تندران اسلامی قرار دارند که در یک زمانی با طالبان می جنگیدند مگر حال بخاطر یک مقصد مشترک که مطلب از آن ختشی ساختن فعلیت‌های امنیتی در افغانستان است، که با تامین آن به قدرتشان خاتمه داده خواهد شد، می‌جنگند. با وصف این که پاکستان ادعای می کند که حکومت آن کشور در امتداد سرحد خود با افغانستان برای جلوگیری از تروریزم مبارزه می کند، اما اکثر افغانها از سابق عقیده دارند که عامل اکثر مشکلات آنها به شمول طالبان که در مدارس مذهبی پاکستان تعلیم دیده‌اند، خود پاکستان می‌باشد.

(منتشره سرویس دری رادیو آزادی)

در اوآخر سال آینده انتخابات عمومی و ملی در نظر است. کار تشکیل یک قوه پولیس ملی و اردوی ملی متشکل از افراد تمام اقوام جریان دارد. اما متأسفانه این حرکت و فعالیت خیلی بطي است. همکاران احمدشاه مسعود که در وزارت دفاع اجتماع کرده‌اند، بالاخره به این فیصله رسیده‌اند که در پرسونل این وزارت تغییراتی بیاید. و بیست و دو چوکی بلند مقام از طریق جستجوی ذوات واجد شرایط به دیگر اشخاص سپرده شود. گرچه انکشاف اقتصادی و روند سرمایه‌گذاری به وضاحت دیده می شود اما اکثریت پروژه‌های بزرگ به کمک خارجی به راه اندخته شده است، عمارت‌های عامة به تجهیزات جدید آراسته شده و بعضی آن در حال ترمیم می‌باشد. معیار انفلاتیون یعنی نزول نرخ پول به صورت طبیعی در سطح پایین قرار دارد. و پول افغانی اعتبار خود را نگهدارش است اما خشونت‌های فراینده سیاسی و جرایم که اکثراً به تندران اسلامی نسبت داده می شود در این تاسیسات نموده‌اند. همچنان افغانها، مقامات رسمی هند و یک عده پاکستانی هامی گویند که اردوی پاکستان که وفاداری شان مشکوک است یک بازی دو بعدی را با امیریکا به پیش می‌برد. تندران اسلامی نسبت داده می شود در کشمیر به وزارت دفاع تسلط دارند متعدد هند می‌دانند و هوشدار میدهند که پاکستان اسلامی نسبت داده می شود در این است.))

هکذا روزنامه معروف واشنگتن پست طی مقاله بی می نویسد:
 ((با وصف اینکه در افغانستان یک کشور بدون مرکزی افغانستان یک کشور بدون داشتن بسیار چیزهای می تواند به موجودیت خود ادامه بدهد مگر بدون داشتن اردوی ملی، پولیس مسلکی و سیستم عدلی اداره شده نمی تواند. در پایخت افغانستان کابل با موجودیت هشت هزار و پنجصد تن از افراد مجهز قوای بین المللی بازهم در طول سرحد پاکستان یک قوه متجاوز مجهر گریلایی در دوماه گذشته فعال گردیده است. این یاغیان که از دو هفته به این سو در مناطق کوهستانی ولایت زابل لاهه کرده اند از طرف طالبان اداره می شوند. و این همان تندران اسلامی هستند که از ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۱ میزان کشوار را بدست گرفته بودند. آنها به شمول افراد می‌باشند گلبدین حکمتیار مخالف حکومت کرزی که چندین سال است

همکاری پاکستان در این راه اظهار سپاس نموده است. وزارت امور خارجه امریکایی یقین دارند که اداره استخباراتی پاکستان که زمانی وسیله اصلی به میان آوردن تحریک طالبان بود بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در تمام ابعاد خود اصلاح و تحول کرده است و اکنون برخلاف تندران اسلامی و تروریزم مبارزه می کند. اماد پیلومات های غربی می گویند که طالبان قوای سپرده شود. گرچه اکثراً به وضاحت دیده می شود اما اکثریت پروژه‌های بزرگ به کمک خارجی به راه اندخته شده است، عمارت‌های عامة به تجهیزات جدید آراسته شده و بعضی آن در حال ترمیم می‌باشد. معیار انفلاتیون یعنی نزول نرخ پول به صورت طبیعی در سطح پایین قرار دارد. و پول افغانی اعتبار خود را نگهدارش است اما خشونت‌های فراینده سیاسی و جرایم که اکثراً به پیش می‌برد. تندران اسلامی نسبت داده می شود در کشمیر به وزارت دفاع تسلط دارند متعدد هند می‌دانند و هوشدار میدهند که پاکستان اسلامی نسبت داده می شود در این است.))

هکذا روزنامه معروف واشنگتن پست طی مقاله بی می نویسد:
 ((با وصف اینکه در افغانستان یک کشور مخفی شده استخباراتی مذکور می گویند که آنها در صفحه اول پشتی آن مصاحبه آقای یقین دارند اسامه بن لادن در طول سرحد مشترک پاکستان و افغانستان در مناطق قبایلی مخفی شده است چه این طرفداری از وی در سایر جاهانیز دیده استفاده خواهد شد، در حالیکه صدای الله اکبر بلند شد یک تن به فوریت صدای راقعه کرد و گفت که نخیر. اعضای دستگیر شود و در این کشور مخفی شده بود کمک می کردند. مقامات استخباراتی مذکور می گویند که آنها در صفحه اول پشتی آن مصاحبه آقای یقین دارند اسامه بن لادن در طول سرحد مشترک پاکستان و افغانستان در مناطق قبایلی مخفی شده است چه این طرفداری از وی در سایر جاهانیز دیده استفاده خواهد شد، در حالیکه صدای الله اکبر بلند شد یک تن به فوریت صدای راقعه کرد و گفت که نخیر. اعضای دستگیر شود و در این کشور مخفی شده بود کمک می کردند. مقامات استخباراتی مذکور می گویند که آنها در صفحه اول پشتی آن مصاحبه آقای یقین دارند اسامه بن لادن در طول سرحد مشترک پاکستان و افغانستان در مناطق قبایلی مخفی شده است چه این طرفداری از وی در سایر جاهانیز دیده استفاده خواهد شد، در حالیکه صدای الله اکبر بلند شد یک تن به فوریت صدای راقعه کرد و گفت که نخیر. اعضای دستگیر شود و در این کشور مخفی شده بود کمک می کردند. مقامات استخباراتی مذکور می گویند که آنها در صفحه اول پشتی آن مصاحبه آقای یقین دارند اسامه بن لادن در طول سرحد مشترک پاکستان و افغانستان در مناطق قبایلی مخفی شده است چه این طرفداری از وی در سایر جاهانیز دیده استفاده خواهد شد، در حالیکه صدای الله اکبر بلند شد یک تن به فوریت صدای راقعه کرد و گفت که نخیر. اعضای دستگیر شود و در این کشور مخفی شده بود کمک می کردند. مقامات استخباراتی مذکور می گویند که آنها در صفحه اول پشتی آن مصاحبه آقای یقین دارند اسامه بن لادن در طول سرحد مشترک پاکستان و افغانستان در مناطق قبایلی مخفی شده است چه این طرفداری از وی در سایر جاهانیز دیده استفاده خواهد شد، در حالیکه صدای الله اکبر بلند شد یک تن به فوریت صدای راقعه کرد و گفت که نخیر. اعضای دستگیر شود و در این کشور مخفی شده بود کمک می کردند. مقامات استخباراتی مذکور می گویند که آنها در صفحه اول پشتی آن مصاحبه آقای یقین دارند اسامه بن لادن در طول سرحد مشترک پاکستان و افغانستان در مناطق قبایلی مخفی شده است چه این طرفداری از وی در سایر جاهانیز دیده استفاده خواهد شد، در حالیکه صدای الله اکبر بلند شد یک تن به فوریت صدای راقعه کرد و گفت که نخیر. اعضای دستگیر شود و در این کشور مخفی شده بود کمک می کردند. مقامات استخباراتی مذکور می گویند که آنها در صفحه اول پشتی آن مصاحبه آقای یقین دارند اسامه بن لادن در طول سرحد مشترک پاکستان و افغانستان در مناطق قبایلی مخفی شده است چه این طرفداری از وی در سایر جاهانیز دیده استفاده خواهد شد، در حالیکه صدای الله اکبر بلند شد یک تن به فوریت صدای راقعه کرد و گفت که نخیر. اعضای دستگیر شود و در این کشور مخفی شده بود کمک می کردند. مقامات استخباراتی مذکور می گویند که آنها در صفحه اول پشتی آن مصاحبه آقای یقین دارند اسامه بن لادن در طول سرحد مشترک پاکستان و افغانستان در مناطق قبایلی مخفی شده است چه این طرفداری از وی در سایر جاهانیز دیده استفاده خواهد شد، در حالیکه صدای الله اکبر بلند شد یک تن به فوریت صدای راقعه کرد و گفت که نخیر. اعضای دستگیر شود و در این کشور مخفی شده بود کمک می کردند. مقامات استخباراتی مذکور می گویند که آنها در صفحه اول پشتی آن مصاحبه آقای یقین دارند اسامه بن لادن در طول سرحد مشترک پاکستان و افغانستان در مناطق قبایلی مخفی شده است چه این طرفداری از وی در سایر جاهانیز دیده استفاده خواهد شد، در حالیکه صدای الله اکبر بلند شد یک تن به فوریت صدای راقعه کرد و گفت که نخیر. اعضای دستگیر شود و در این کشور مخفی شده بود کمک می کردند. مقامات استخباراتی مذکور می گویند که آنها در صفحه اول پشتی آن مصاحبه آقای یقین دارند اسامه بن لادن در طول سرحد مشترک پاکستان و افغانستان در مناطق قبایلی مخفی شده است چه این طرفداری از وی در سایر جاهانیز دیده استفاده خواهد شد، در حالیکه صدای الله اکبر بلند شد یک تن به فوریت صدای راقعه کرد و گفت که نخیر. اعضای دستگیر شود و در این کشور مخفی شده بود کمک می کردند. مقامات استخباراتی مذکور می گویند که آنها در صفحه اول پشتی آن مصاحبه آقای یقین دارند اسامه بن لادن در طول سرحد مشترک پاکستان و افغانستان در مناطق قبایلی مخفی شده است چه این طرفداری از وی در سایر جاهانیز دیده استفاده خواهد شد، در حالیکه صدای الله اکبر بلند شد یک تن به فوریت صدای راقعه کرد و گفت که نخیر. اعضای دستگیر شود و در این کشور مخفی شده بود کمک می کردند. مقامات استخباراتی مذکور می گویند که آنها در صفحه اول پشتی آن مصاحبه آقای یقین دارند اسامه بن لادن در طول سرحد مشترک پاکستان و افغانستان در مناطق قبایلی مخفی شده است چه این طرفداری از وی در سایر جاهانیز دیده استفاده خواهد شد، در حالیکه صدای الله اکبر بلند شد یک تن به فوریت صدای راقعه کرد و گفت که نخیر. اعضای دستگیر شود و در این کشور مخفی شده بود کمک می کردند. مقامات استخباراتی مذکور می گویند که آنها در صفحه اول پشتی آن مصاحبه آقای یقین دارند اسامه بن لادن در طول سرحد مشترک پاکستان و افغانستان در مناطق قبایلی مخفی شده است چه این طرفداری از وی در سایر جاهانیز دیده استفاده خواهد شد، در حالیکه صدای الله اکبر بلند شد یک تن به فوریت صدای راقعه کرد و گفت که نخیر. اعضای دستگیر شود و در این کشور مخفی شده بود کمک می کردند. مقامات استخباراتی مذکور می گویند که آنها در صفحه اول پشتی آن مصاحبه آقای یقین دارند اسامه بن لادن در طول سرحد مشترک پاکستان و افغانستان در مناطق قبایلی مخفی شده است چه این طرفداری از وی در سایر جاهانیز دیده استفاده خواهد شد، در حالیکه صدای الله اکبر بلند شد یک تن به فوریت صدای راقعه کرد و گفت که نخیر. اعضای دستگیر شود و در این کشور مخفی شده بود کمک می کردند. مقامات استخباراتی مذکور می گویند که آنها در صفحه اول پشتی آن مصاحبه آقای یقین دارند اسامه بن لادن در طول سرحد مشترک پاکستان و افغانستان در مناطق قبایلی مخفی شده است چه این طرفداری از وی در سایر جاهانیز دیده استفاده خواهد شد، در حالیکه صدای الله اکبر بلند شد یک تن به فوریت صدای راقعه کرد و گفت که نخیر. اعضای دستگیر شود و در این کشور مخفی شده بود کمک می کردند. مقامات استخباراتی مذکور می گویند که آنها در صفحه اول پشتی آن مصاحبه آقای یقین دارند اسامه بن لادن در طول سرحد مشترک پاکستان و افغانستان در مناطق قبایلی مخفی شده است چه این طرفداری از وی در سایر جاهانیز دیده استفاده خواهد شد، در حالیکه صدای الله اکبر بلند شد یک تن به فوریت صدای راقعه کرد و گفت که نخیر. اعضای دستگیر شود و در این کشور مخفی شده بود کمک می کردند. مقامات استخباراتی مذکور می گویند که آنها در صفحه اول پشتی آن مصاحبه آقای یقین دارند اسامه بن لادن در طول سرحد مشترک پاکستان و افغانستان در مناطق قبایلی مخفی شده است چه این طرفداری از وی در سایر جاهانیز دیده استفاده خواهد شد، در حالیکه صدای الله اکبر بلند شد یک تن به فوریت صدای راقعه کرد و گفت که نخیر. اعضای دستگیر شود و در این کشور مخفی شده بود کمک می کردند. مقامات استخباراتی مذکور می گویند که آنها در صفحه اول پشتی آن مصاحبه آقای یقین دارند اسامه بن لادن در طول سرحد مشترک پاکستان و افغانستان در مناطق قبایلی مخفی شده است چه این طرفداری از وی در سایر جاهانیز دیده استفاده خواهد شد، در حالیکه صدای الله اکبر بلند شد یک تن به فوریت صدای راقعه کرد و گفت که نخیر. اعضای دستگیر شود و در این کشور مخفی شده بود کمک می کردند. مقامات استخباراتی مذکور می گویند که آنها در صفحه اول پشتی آن مصاحبه آقای یقین دارند اسامه بن لادن در طول سرحد مشترک پاکستان و افغانستان در مناطق قبایلی مخفی شده است چه این طرفداری از وی در سایر جاهانیز دیده استفاده خواهد شد، در حالیکه صدای الله اکبر بلند شد یک تن به فوریت صدای راقعه کرد و گفت که نخیر. اعضای دستگیر شود و در این کشور مخفی شده بود کمک می کردند. مقامات استخباراتی مذکور می گویند که آنها در صفحه اول پشتی آن مصاحبه آقای یقین دارند اسامه بن لادن در طول سرحد مشترک پاکستان و افغانستان در مناطق قبایلی مخفی شده است چه این طرفداری از وی در سایر جاهانیز دیده استفاده خواهد شد، در حالیکه صدای الله اکبر بلند شد یک تن به فوریت صدای راقعه کرد و گفت که نخیر. اعضای دستگیر شود و در این کشور مخفی شده بود کمک می کردند. مقامات استخباراتی مذکور می گویند که آنها در صفحه اول پشتی آن مصاحبه آقای یقین دارند اسامه بن لادن در طول سرحد مشترک پاکستان و افغانستان در مناطق قبایلی مخفی شده است چه این طرفداری از وی در سایر جاهانیز دیده استفاده خواهد شد، در حالیکه صدای الله اکبر بلند شد یک تن به فوریت صدای راقعه کرد و گفت که نخیر. اعضای دستگیر شود و در این کشور مخفی شده بود کمک می کردند. مقامات استخباراتی مذکور می گویند که آنها در صفحه اول پشتی آن مصاحبه آقای یقین دارند اسامه بن لادن در طول سرحد مشترک پاکستان و افغانستان در مناطق قبایلی مخفی شده است چه این طرفداری از وی در سایر جاهانیز دیده استفاده خواهد شد، در حالیکه صدای الله اکبر بلند شد یک تن به فوریت صدای راقعه کرد و گفت که نخیر. اعضای دستگیر شود و در این کشور مخفی شده بود کمک می کردند. مقامات استخباراتی مذکور می گویند که آنها در صفحه اول پشتی آن مصاحبه آقای یقین دارند اسامه بن لادن در طول سرحد مشترک پاکستان و افغانستان در مناطق قبایلی مخفی شده است چه این طرفداری از وی در سایر جاهانیز دیده استفاده خواهد شد، در حالیکه صدای الله اکبر بلند شد یک تن به فوریت صدای راقعه کرد و گفت که نخیر. اعضای دستگیر شود و در این کشور مخفی شده بود کمک می کردند. مقامات استخباراتی مذکور می گویند که آنها در صفحه اول پشتی آن مصاحبه آقای یقین دارند اسامه بن لادن در طول سرحد مشترک پاکستان و افغانستان در مناطق قبایلی مخفی شده است چه این طرفداری از وی در سایر جاهانیز دیده استفاده خواهد شد، در حالیکه صدای الله اکبر بلند شد یک تن به فوریت صدای راقعه کرد و گفت که نخیر. اعضای دستگیر شود و در این کشور مخفی شده بود کمک می کردند. مقامات استخباراتی مذکور می گویند که آنها در صفحه اول پشتی آن مصاحبه آقای یقین دارند اسامه بن لادن در طول سرحد مشترک پاکستان و افغانستان در مناطق قبایلی مخفی شده است چه این طرفداری از وی در سایر جاهانیز دیده استفاده خواهد شد، در حالیکه صدای الله اکبر بلند شد یک تن به فوریت صدای راقعه کرد و گفت که نخیر. اعضای دستگیر شود و در این کشور مخفی شده بود کمک می کردند. مقامات استخباراتی مذکور می گویند که آنها در صفحه اول پشتی آن مصاحبه آقای یقین دارند اسامه بن لادن در طول سرحد مشترک پاکستان و افغانستان در مناطق قبایلی مخفی شده است چه این طرفداری از وی در سایر جاهانیز دیده استفاده خواهد شد، در حالیکه صدای الله اکبر بلند شد یک تن به فوریت صدای راقعه کرد و گفت که نخیر. اعضای دستگیر شود و در این کشور مخفی شده بود کمک می کردند. مقامات استخباراتی مذکور می گویند که آنها در صفحه اول پشتی آن

A decorative horizontal border element consisting of a repeating pattern of stylized floral or geometric motifs. The design includes intricate scrollwork and small circular elements, rendered in black on a white background.

دی، هغه دژوند حق دی او
هغه دژوندانه حق دی. ژوند په مانا د
حیات، ژوندانه په مانا د روزمره
زندگی، کار او کسب او خواری او
دمريک او دژوبلي خخه خلاصون.

داخنگه اسلام دی، د خدای لپاره؟!
ستابه ډيره بنه بنه شفاخانه وی. او
ستابنځه او اولاد په خپل وطن کې د
خپل علاج کوي، او زماښه به د
خره، قاطر او خرابو سړکانو لس دولس
 ساعته هئي، او هئي، او هئي، او هئي،
او د خپل وطن د باندي ناست
وی. داخنگه اسلام دی؟! چې ته یې پر
ما تحملوي؟! چې زماښه تاته
احتياج وی، زماخوان به تاته احتياج
وی، او د خپل خانه به خه نلري، نه به
کور لري، نه ژوند لري. ستا اولاد به له
کوره روؤي نيم ساعت بعد به په
مكتب کي ناست وی. ستا بنځي او
سيپين بيرى له کوره روؤي نيم
ساعت بعد به یې ډاكتري علاج
کيري، او زما هغه به یا په لاري مری او
يا دتنګ دستی له لاسه مری، او یا په
ساعتو ساعتو مزل کوي. احتياجي به
کوي ترڅو یو ډاكتري ته خان ورسوی. دا
خومونږ نه شومنلاي. هيچ وخت نشو
منلاي. مونږ ورور ګلوي کوو، مونږ
ديانت کوو، دا هم بر عالا خبره ده چې
تروريزم پر ملتون تاوان شو او مونږ
تروريزم پر افغانانو تاوان شو او مونږ
دنيا ته ناري کړي چې وروره افغانان نه
دی! وروره! افغانان نه دی. او دنيا به
نه راسره منل...
بدنام مونږ نه یو. مونږ مجاهدين یو،
مونږ تروريسٽ نه یو. د (جهاد) او

د پاکستان پښتانه د عزت خاوندان دی، د عزت
قوم دی او د تروریزم قربانیان دی، نه پلویان.

(تروریزم) فرق دی. مونبر هغه ملت یو،
چی شوروی مو مخامخ مات کړ، خو په
بازار او په سپړ چې مولیدلی کار مو
ورسره نه درلو دی. د باندی مو چې
لیدلی کار به مونه درلو دی. اسیر چې
مو ځینې وینیوی، مور بـه یې مو
وغوبنټه د شوروی عسکر، چې راشه
موری! د غهه دی زوی دی بوڅه، کورته
یې ورسـوه. مونږ جهاد والايو، مونږ
غیرت والايو، مونږ سپړی د شاله خوانه
ولو. دا ددی وطن په تاریخ کښی نشته
چې سری د شاخه وولی، یا په غلا
وولی، یادی پر خنګ وولی، نه! مور
دانه کوو. زمونږ د مخامخ کيسه ده.
دافع کوو په نره یې کوو.

طالب رالیپری چی خان مر کړه او خپل زوي روزی چې انتخابات وکړه، زما غونډه، زما شـورا، زما مجلس را تخریسوی او خپله غونډه او خپله شورا جوړوی ولی وروره؟
زه خو افغانستان په مسلماني کې د هېچا خڅه کم نه بولم، ترهیچا یې کم نه بولم، دغسی نه دی؟
دا خو هغه افغانستان دی، وروره، چې ددې منطقى خلک یې مسلمان کړل او اسلام یې ورته راوست، اسلام هغه

په دغه شپه چې راواوبنتم په دا سپا یې نیوں شوم بل سبق راته نه ویل کیدی بل درس نه و راته، دغه به یې راته ویل لارشے افغانستان ته هلته تویک واخله. هغه بل هلک یې د دوه ويشت او یا درویشتونکالو و هغه ورته ویلی وو چې ماته یې هم داسی ویل خوما ډیری شپې په مدرسه کې تیرنکړي او زه ددې خبرو تراژ لاندې رانګلم خوزه له غربته راغلی یم ما ته یې پنځه پنځوس ډالره راکړل چې

ددي محفل له لاري خپلي خبری هغو مدرسو
والاوو ته ورسوم، چې په پاکستان کې د عالم په
نامه ناست دی. د دین د تعليم په نامه ناست دی.
اوزما اولاد او زما بچي ته وايي چې
ورخه په خپل وطن يا بم وغورخوه او يا بم کېږده!

تب تاپه!



ها تاپه دارند. میزند و گپ خلاص.
قصه اینطور است. چون لغت نا آشنا
است کس هاییکه می فهمند باید
آنرا ترجمه و مانوس بسازند. مثلاً
بعضی طایفه می گویند که لفظ
(خدا) در قرآن نیست. که به لسان
فارسی به معنی الله است. همین لفظ
را اهل فارس تسمیه داده است برای
الله. همین دموکراسی را هم یک
ایستاد (انتخاب) کنید. بعد از اینکه
ایستاد شد، حق العبدی می شود.
و هر لفظ دیگریکه او را مردم
بفهمند، امکان دارد که ملا با آن تکنند.

است.

ظریف نظر - در مورد
صاحب! اینرا مقایسه کنیم افغانستان نظر تان چیستکه در مورد
سالکلماتیکه از غرب آمده مثلًا حقوق زنان آنقدر ها احترام قایل
دموکراسی. دموکراسی هم معنی نیست و در یک ماده آن گفته می
اش همین است که مردم تصمیم می شود، اجازه داد کار در موسسات مثلاً
گیرند در مورد رهبری خود، همین در انجو هادده نشود. در این مورد
خودش به معنی حق العبد است، از و در مورد حقوق زن هاچه باید
نقشه نظر ما و شما، آنها دموکراسی بکنیم و در افغانستان این مسئله
می گویند به زبان خود، وما حق چگونه باید حل شود؟

مولوی تره خیل - در این

العبد؟
مولوی تره خیل - این مورد باید تصریح شود علت منع
لغت چون عامه مردم به ماهیت آن شان. علت منع چیست چرا چنان
نمی فهمند، همین لفظ دموکراسی در این مورد من نه چیزی می گویند
که به عربی به آن دموکرات می گویند، لفظ نا آشنا است، مردم و نه مداخله میکنند. من همین کلیات
همراه اش نا آشنا است، چونکه نا اسلام را می گوییم. در اسلام زن،
آشنا است و ملا صاحب آنرا در کتاب منع نیست از کار کردن. که اگر
ندردده، چون علمای

کلگی بی تاپه نیست! کلگی در جیب را برایتان می خواهم.

این نسل تربیه شود، و به روحیه
تنظیمی به بلوغ برسد! چندین سال
را ضد و ضد بازی و عصبیت و

رهبران مجاهدین می گویند که
دموکراسی حرام است و یک چیز
بسیگانه است. می دانیم که

دموکراسی به معنای تحت الفظی
حکومت مردم است، این مساوی به
حق العبد نمی شود؟ بندگان
خداآوند تعالی حق ندارند که زعیم و
رهبر خود را خودشان انتخاب
نمایند؟ و در مورد (اجراات و خوب
و بد) رهبر های خود گپ بزنند؟

مولوی تره خیل - حق العبد دو
جهت دارد یک حق العبدی مالی و
دیگر ظلمی. یک شخص بالای دیگر
ظلم کرده باشد. در حالیکه

دولت اسلامی افغانستان. در دوران خلافت اسلامی افغانستان
با ز هم مکان مسلمانان بود، افغانستان
شاخته شده بود به نام افغانستان با
مردم مسلمان. نظر شما را میخواستیم
که اینکار درست است یا نیست؟

مولوی تره خیل - در تسمیه کدام

اشکال نیست. خوبتر همین است که
در عرف و در ممالک دنیا (به نامیکه)

شهرت داشته باشد (درست است)
در این قرن فلانی راشما امیر

تسمیه کدام مشکل نیست، به هر

لفظی که شهرت داشته باشد، همان

ملت. به ملت هدایت شده و اختیار

میخواهند همان گروپ های خود
را حفظ کنند. این گروپ ها واقعاً
همه گی در راه اسلام جهاد کرده
اند؟ اینها واقعاً حق به جانب هستند؟
شکر الحمد لله همه ما مسلمان
هستیم، به خداوند تعالی و قرآنکریم
ایمان داریم که یگانه و یکی است
ولی صد ها حزب به نام اسلام و
دعوای اسلام به وجود آمده که با
هم اتحاد کرده نمی توانند. مولوی
صاحب نظر شما چیست؟ چطور
تحلیل میکنید؟ مولوی تره خیل - ما
چندین بار اینها را در پشاور
یکجا کردیم، چندین بار اینها را به
كتاب الله و سنت رسول الله متعدد
ساختیم، اما همسایه ها اینها را نمی
ماندند، اگر این تنظیم و تنظیم بازی
در افغانستان نمی بود، اختلافات
ذات البینی نمی بود، متبوعه روس
برای دو سال مقاومتکرده نمی
توانست. سبب تأخیر اینقدر سال
ها که شد، اختلافات ذات البینی بود،
تنظیم و تنظیم بازی خطر است، در
خانه هر کدام اینها من رفتیم، و
همرا من چند تا علمابود، این
حرف را زدم که به روحیه تنظیم اگر

کنون از قرن های دور بر ارواح انسان سخت

پلر جاست.

همین اندیشه های شوم و نا میمون که حتی تنگ جنگل
هست.

* * * *

اکر زن بیعت

بگویمن !

بگویمن، کدامین جنگ است آخرکه اندر آن ،

زنان و خواهران تحیر میگردند؟

به جرم زن بودن زنجیر میگردند؟

بگویمن ،

درین دنیای پرپهنا

ددان و وحشیانی هست

که دانند مادران خویشن را پست ؟

که زن را ننگ بشمارند ؟

غلام و برد پندارند ؟

بگویمن ، کدامین جنگ است آخرکه اندر آن :

ددان و وحشیان حتی ،

زنان و مادران و خواهران خویش بفروشند ؟

نمی پرسی سخن از چیست ؟

سخن از ننگ دهشتزای انسان است

سخن از بی تمیزی های انسان است

بگویمن ،

اگر زن نیست _ انسان چیست ؟

اگر زن نیست ،

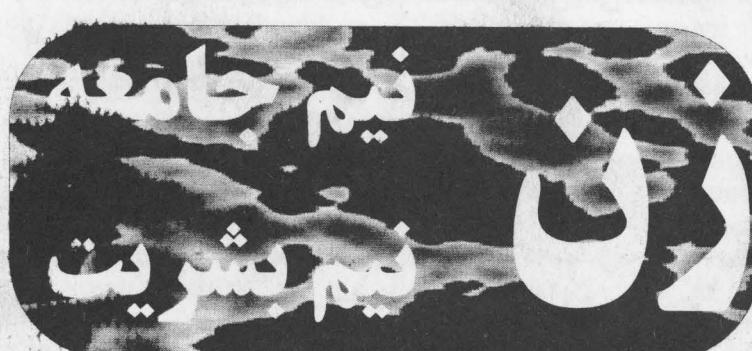
این گردنگان تیره مغزکور وجدان را که میزاید ؟

اگر زن برده است، آزاده گی آدمیان چیست ؟

اگر زن ها حقیر و پست و نا چیزند ،

آنگاه این جلال و این غرور و این توائندی مردان چیست ؟

دریغ و درد ! کاین اندیشه های شوم و نا میمون ،





طلوغ افغانستان

د سندی او سرفی ملی بو وابی هم خوښې

د امتیاز خاوند: (افغانان د حقوقی او مدنی ټولنی دپاره) موسسه (ACS) د لیکوالی دلي مشر: حبیب الله رفیع مسؤول مدیر: محمد اسماعیل اکبر

آدرس: مکرویان اول، بلاک ۵۰

پارتمان ۴۲

تیلفون: ۷۰۲۹۲۵۶۴

۷۰۲۹۱۴۶۹

۷۰۲۷۸۲۴۲

۷۹۳۰۹۸۰

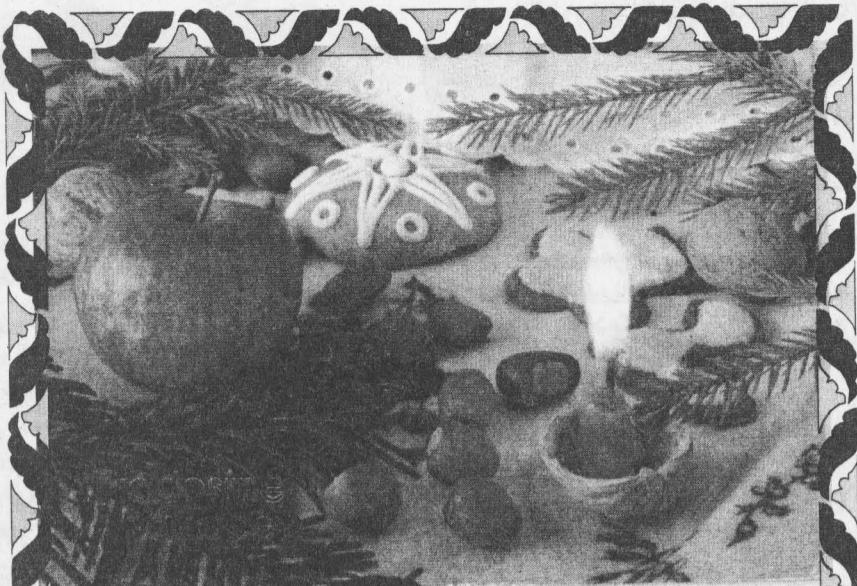
قیمت یک نسخه:

۳" افغانی

۰۰۰ و آغازی دیگر

باید خرد، استعداد، دانش و شایستگی زیست و کار، کار روشنگرانه و مبتكرانه و مدرانه در اوضاع و احوال کنونی را اکتساب کنیم. مصایب ((جنگ زده گی)) را از سر و صورت خود، از روی یار و دیار و دره و کوهه سار خود بشویم و در شراکت کاری و دوستی متقابل با جامعه جهانی، ویرانه نیاکان خود را که چه بسا خود قسمًا مسؤول آن هستیم، آباد کنیم و زخم های تن و روان خواهان و برادران و پدران و مادران خویش را صادقانه و حاذقانه التیام بخشیم. در حد ما مطبوعاتی ها، قلم به دستان، اهل مطالعه و مکافهه و تحلیل و استدلال و اقناع و ابلاغ این است که از قلم و کتاب و کاغذ و آوا و تصویر، چراغ های فروزانی درست کنیم (الته نه آنچنان که چشم های ناتوان را کور سازد) چراغ هایکه بر زوایای آن ((حقیقت بزرگ)) بتابد، بازتاب آن دانایی و شکیایی و توانایی بار آورد و فرهنگ صلح و دوستی و وحدت و اخوت. تابر فرهنگ جنگ و بر اعتیاد جنگ و بر عصیت و قشریت و جهالت غلیظ و مرکب فایق آییم، به لذایذ و فضایل هموطن بودن، برادر بودن، افغان بودن، انسان بودن و مسلمان آگاه و وارسته از ابلیس بودن، نایل گردیدم. ((طلوغ افغانستان)) اندیشه های روشنگرانه و مدرانه، تحلیل و تحقیق، اکتشافات و ابتکارات رهگشایانه همه آنانی را که قلب و دماغ شان برای وطن و بشریت کار می کند بدون تبعیض و تعصب پاس میدارد و بازتاب می دهد و در عین حال برای همه گروه های سنی، اشاره و طبقات اجتماعی از کودکان نازنین ما گرفته تا زنان نجیب کشور که بیشتر از نصف نفوس و نیم نیروی کار و سازنده گی وطن بوده و نیم دیگر را هم پرورش میدهند، جوانان و نوجوانان، کارگران، دهقانان و مالداران، پیشه وران، تاجران و سرمایه داران، معلمان و مأموران و غیره صفحات و بخش های اختصاصی خواهد داشت و در همه این ساحت همکاری های شمار استقبال می کند. نامه ها، نظریات، پیشنهادات و انتقادات هموطنان از جمله در مورد کمال و جمال خود ((طلوغ افغانستان)) از بها و قیمت ویژه یی بر خودار خواهد بود.

محمد عالم افتخار



کودکان شیرین و قندول! جریده طلوغ افغانستان سر از این شماره یک ستون را برای شما نازنین ها جدا کرده و در آینده به طور دوامدار برای تان نشر می کند. امیدواریم همیشه این ستون را بخوانید، نوشته ها و نامه های خود را برای نشر در آن به آدرس جریده بفرستید و اینکه از ما نشر چه قسم چیز ها را من خواهید سرای ما نوشته کنید و یا در تیلفون های مان بگویید، در این شماره فکاهی ارسالی دوست شما پامیر (پاکطین) را برای تان چاپ می کنیم.

پسر: پدر یک فکاهی بگوین.

پدر: فکاهی چی؟

پسر: معلم ما گفته، صباح یک فکاهی بیارین.

پدر: معلم شما بیکار اس.

پسر: پدر، شمام بیکار هستین!

پدر: برو بچیم، مرد خیال معلم نکو.

پسر: نی معلم ما زن است، پدر!

بختش کوکان

۰۰۰ طلوغ افغانستان

نارینه چی و دروی، ولی، دومره پروا نه لری... زموريه عنعنه کی، زموريه کلتور کی، زموريه غیرت کی نه بنایی چی بسخی د درو زرو خلکو، خلور زرو، پنخوزر خلکو په مینځ کی و درو، او ویه وله، دا می غیرت نه منی، چی دازماد وطن بسخی تا په زرو خلکو کی کشینولی او بیا دی وویشتلي.

حد دی پر جاري کاوه؟ حد پر جاري کوه! خو سیل مه پر جورو، زما د وطن پر بسخودی سیل جور کړي دی. سیل!!.... زما په دغه درد زرده دک دی او س ورته. سیل دی پر جور کړي و؟!

نو زه بغ کوم په علماء و، چی را ولار دی شی د پاکستان د علماء سره، او پر افغانستان دی رحم و کړي. او افغانستان ته دی نوره خواری نه را پری. او نور مودی نه بندانه کوي. دا ابتکار به مور شروع کوو. دا زمود وظیفه ده چی مسلمان د ناحقه و زنوا او بدنه خلاص کړو، خصوصاً پخیله خاوره کی. والسلام

سره بندیان دی، عزت باید وشی. دوی سهار موونیول، مانیام موورته وویل چی خی ورونو، خپلو کورو ته ولار شی. خدای مومن شه! ملکري می کشینول او هغوي ته می د خدای په نامه وویل چی داد افغانستان بچی دی، والله که یې پر ما مړ کړئ چی خارجی نهوي.

نو ما اسیران یله کړ او ورته می وویل چی ولار شی خپلو کورو ته. هغوي راته وویل چی مور چیری لار شوپه دی تیاره کی؟ بیا ما خپل سرې ته وویل چی د هغوي ملکريتا وکړي او ویی رسوی. بیا چی طالبان تسلیمیدله، هر سرې ما ته راغلی دی چی له ماسره یو موتور دی، یومی دادی، دارا اجازه کړه، زه لاتا کل شوی نه و م دریس په توګه، په غره کی و م خودو راته را ګلر چی لاری راته را ګله، چی خلکو نه پر بینول. چی غښتل اجازه را ګله، ما وویل چی بسنه دی ولار شی. فضل د خدای و چی داصحنه، دا فلم د تلویزیون ما هغه وختنه و لیدلی که نه زرده به می ډک واي... په دی صحنه می ډیر زرده زهیر شو.



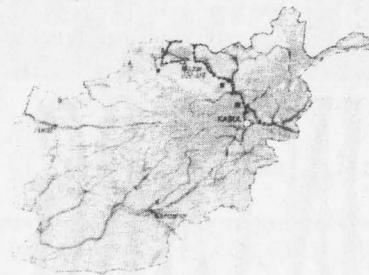
ملا محمد عمر

دغه دی، ملا محمد عمره؟ دغه دستاغیرت و اسامه دغه دستاغیرت و؟ چی تا د افغانستان بسخه د پنځو چی ترا وسنه هم سم نه يم. دواریه پس مود مخه وی. ما ویل چی د کنده هار ستودیم دی. چارا ته وویل چی د کابل ته بسخه راوله د خلکو په مخکی کشینو، پنځه زره خلک سیل بینه، نامحرمه... او بیا ده ګه په منځ کې پر سرپه کلشینکوف ووله او ګذار بی کړه؟؟

او بیا، داصحنه می هم ولیدله چی عکاسی کړي و، چی په بازار کې پر بسخو سوتی را ګرڅول، او هغه خان در خخه بچوی، او ته یې وهی، او هغه خان در خخه ګوری او ته یې پسی وهی، په سوتی یې وهی، د خلکو بسخه؟ د هغوي عزت؟ نو، د خدای فضل و علماء و، ورونو! چی دا فلم دوخته نه و لیدلی چی په هغوشپو ورخو مخکی چی زه ولزې ارزگان ته د طالبانو په خلاف، هلته ما دا فلم نه و لیدلی. چی زرده می داسی نه و دک. شوی، فضل د خدای و چی دا فلم دوشتنه...

پیاوړی مرکز او اولسواکه ولات

حبيب الله، رفيع



کوي، د خپل ولایت ګمرکی او د مالیسی عایدات خپلوجیبونو ته اچوپی او د ولایتونو د خلکو د هوسماینې پر خای بی خانونو ته امیری او پاجایی جوړی کړي او ملي عاید او شروتونه په بې رحمى د خپل خانونو له پاره لګوی او د افغانستان د بیا رغونې او انکشاف کار پینه پر خای ولات.

د افغانستان دولت ته لازم دي چې د یوه پیاوړی مرکزی خواک په جوړولو سره په ولایتونو کې توپک وکی ختمی کړي. د محلی وکمنیو ټغروټول کړي او لکه د پخوا په شاند بیلا بلیلو سیمومامورین او کارداران بیلا بلیلو ولایتونو ته د والبانو او کارداران بیلا بلیلو ولایتونو ته د والبانو او نورو دولتی کار کونکو په توګه ولیږي خو ترڅنګ يې د دی له پاره چې ولایتونه اولسوواک او د خلکو د خدمت جوګه شی د دولتي مامورینو ترڅنګ د ولایتونو او اولسوالیو انتخابی جرګي جوړی کړي چې بیا د جرګي او د حکومت د هري ساحې مامورین په ګډه د ولایتونو اپتیاو له مخې پر مختیایی په لانو نه جوړ کړي او د اولس غښتنو ته مثبت خواب ووای په نولسمه پیړی کې افغانستان په لاهنه پرېښوده، ده په دېر تشدده اعلی حکومتیو وویشل شو، بیاهم له کورنیو جګړو او د سیالیو سخت هغوي سره مقابله وکړه تردي چې له خپلواکی نه د دیموکراسی تر لسیزی ټولنه زمورد حکومت تر شا ودریده خپلی وء او انگریزان چې په افغانستان کړيونه په کله منارونه جوړ کړل خو پوري په اداري ویش کې وخت په وخت افغانانو هیله درلوه چې د یوه واقعا پراخ باندې په مخامن تیریو کې ناکام شوی وو له مرکزنه بیلی سیمې په د مرکزتر بدلونه راغلل او بیا د دیموکراسی د بنسټه حکومت په جوړیدو مرکز پیاوړی هڅه یې کوله چې د اقتدار د جګړو او توریتی لاهدي راوستلي، زمورد ځینې لسیزی له پیل سره د هیواد په اداري شی او له ولایتونه د توپکواکی تغرتول او ژبغراند او ره نوره پکی ووهي، ورونه هزاره ورونه یواړخیز تبلیغ کوي چې ویش کې ژور بدلون راغي، د ولایتونو د مرکز په مدار او خېږي. خود اساسی ونه په ورنو ووژني او د افغانستان له امیر عبدالرحمن یوازی هزاره ګان شمیره ۲۹ شووا او او س داشمیره ۳۲ شول، په مرکز کې هم یواړخیز توپکواکی تشخیص کړي او د متوازن انکشاف د ملي په اولسوواکی غالبه شو او په ولایتو کې هم پلان له مخې تول هیواد په یوه سویه مخ په داهیواد د مستقیمي اداري پر خای د بلکه امیر عبدالرحمن خان د خپل په ۲۵ کلنوجګړو کې افغانستان پېښۍ او ناپیلې توپکواکی غښتلې شو ده تحت الحمايګي یا لاسپوخي توب له قدرت په وړاندې تول را شنه شوي چې له دی سره له مرکزنه د ولایت د فرار هیواد پا ملت په ژوند کې لاري اداره کړي، همداسي یې وکړل په خندونه له منځه ورل او کوتل یې لکه ولیدي او په دی ګډو دیو کې د ولایاتو عملیه نوره هم ګړندي شو، تردي چې د روغ، مثبت، ګټور، مثمر او برابر بدلون ۱۸۸. څنګه یې چې د هزاره ګانو له سرونو نه وضع هم دیره ګډو وده او ورانه ويچاره

د افغانستان طبیعی جورښت، ملي خان د یوې پتې معاملې له لارې د کله منارونه جوړ کړي وو همداسي یې د تشكی، تاریخي سابقه، سیمه یېزه نا افغانستان وکمنې ته ورساوه. غلجو، شینوار او نورستانیانو

انهولي، وروسته والی او خصوصا په د موضوع په دی اړخ نه غږېرو خو کړي هم خلی کړي وی او دا تول یې د وروستیو پنځه ويستو کلونو کې د جګړو امیر عبدالرحمن خان یو هوبنیار او مرکز د پیاوړتی او د خپل حکومت د له امله ولایتونه د مرکز له مداره یو په درنې وراني، برپا دی او ناخوالی تول د مدبر پاچا وء، د انگریزانو له دوستی ټینګښت او پایښت له پاره کړي وو.

د ده تر مرینې وروسته یو پیاوړی اړتیا وه او د انگریزانو د تیرې په وخت کې هم د افغانانو ته په میراث پاتې شو د کمونستانو تر سقوط وروسته جهاد په توپک سالاری او قوماندان سالاری

چې ورسه د شلمې پېړي په دوهمه لسیزه کې د خپلواکی لمړ هم په هیواد

کلتوري، سیاسي او اجتماعي بیا رغونه خاورو په له لاسه ورکولو سره تحدید پاتې شو او ولایتونه د ملوك الطوافې

بدل شو او ولایتونه د هیواد د بنې اداري له په لور ولارل، د طالبانو حکومت که

نوري هر خوب د ګنډ دلودی خو ترو واک په ده دولت کې یې دولت جوړ کړي وء، تنظیم شول او اتیا کاله وړاندې

اداره تر ډه حدې یو لاس شو. مالیه یې نهور کوله او د مرکز نفوذ ته هیواد ته ورسېږي.

په نولسمه پیړی کې افغانستان په لاهنه پرېښوده، ده په دېر تشدده اعلی حکومتیو وویشل شو، بیاهم له

کورنیو جګړو او د سیالیو سخت هغوي سره مقابله وکړه تردي چې له خپلواکی نه د دیموکراسی تر لسیزی ټولنه زمورد حکومت تر شا ودریده

پیل شي چې تول هیواد په یوه سویه او یوه کړي او پاتې هیواد یې له نور تهدید پاتې شو ده خڅه وړغوره، په دننه کې هغه سیمې پاره ولایات هم په بنسټیزه دول له سره

خدمتونه د لوړیتوبونو له مخې تول چې په دولت کې یې دولت جوړ کړي وء، تنظیم شول او اتیا کاله وړاندې

چې په افغانستان په پنځو ولایتونه په اړخو او خلورو ده اړاده تر ډه حدې یو لاس شو.

په نولسمه پیړی کې افغانستان په لاهنه پرېښوده، ده په دېر تشدده اعلی حکومتیو وویشل شو، بیاهم له

کورنیو جګړو او د سیالیو سخت هغوي سره مقابله وکړه تردي چې له خپلواکی نه د دیموکراسی تر لسیزی ټولنه زمورد حکومت تر شا ودریده

په نولسمه پیړی کې افغانستان په لاهنه پرېښوده، ده په دېر تشدده اعلی حکومتیو وویشل شو، بیاهم له

کورنیو جګړو او د سیالیو سخت هغوي سره مقابله وکړه تردي چې له خپلواکی نه د دیموکراسی تر لسیزی ټولنه زمورد حکومت تر شا ودریده

په نولسمه پیړی کې افغانستان په لاهنه پرېښوده، ده په دېر تشدده اعلی حکومتیو وویشل شو، بیاهم له

کورنیو جګړو او د سیالیو سخت هغوي سره مقابله وکړه تردي چې له خپلواکی نه د دیموکراسی تر لسیزی ټولنه زمورد حکومت تر شا ودریده

په نولسمه پیړی کې افغانستان په لاهنه پرېښوده، ده په دېر تشدده اعلی حکومتیو وویشل شو، بیاهم له

کورنیو جګړو او د سیالیو سخت هغوي سره مقابله وکړه تردي چې له خپلواکی نه د دیموکراسی تر لسیزی ټولنه زمورد حکومت تر شا ودریده

په نولسمه پیړی کې افغانستان په لاهنه پرېښوده، ده په دېر تشدده اعلی حکومتیو وویشل شو، بیاهم له

کورنیو جګړو او د سیالیو سخت هغوي سره مقابله وکړه تردي چې له خپلواکی نه د دیموکراسی تر لسیزی ټولنه زمورد حکومت تر شا ودریده

په نولسمه پیړی کې افغانستان په لاهنه پرېښوده، ده په دېر تشدده اعلی حکومتیو وویشل شو، بیاهم له

کورنیو جګړو او د سیالیو سخت هغوي سره مقابله وکړه تردي چې له خپلواکی نه د دیموکراسی تر لسیزی ټولنه زمورد حکومت تر شا ودریده

په نولسمه پیړی کې افغانستان په لاهنه پرېښوده، ده په دېر تشدده اعلی حکومتیو وویشل شو، بیاهم له

کورنیو جګړو او د سیالیو سخت هغوي سره مقابله وکړه تردي چې له خپلواکی نه د دیموکراسی تر لسیزی ټولنه زمورد حکومت تر شا ودریده

په نولسمه پیړی کې افغانستان په لاهنه پرېښوده، ده په دېر تشدده اعلی حکومتیو وویشل شو، بیاهم له

کورنیو جګړو او د سیالیو سخت هغوي سره مقابله وکړه تردي چې له خپلواکی نه د دیموکراسی تر لسیزی ټولنه زمورد حکومت تر شا ودریده

په نولسمه پیړی کې افغانستان په لاهنه پرېښوده، ده په دېر تشدده اعلی حکومتیو وویشل شو، بیاهم له

کورنیو جګړو او د سیالیو سخت هغوي سره مقابله وکړه تردي چې له خپلواکی نه د دیموکراسی تر لسیزی ټولنه زمورد حکومت تر شا ودریده

په نولسمه پیړی کې افغانستان په لاهنه پرېښوده، ده په دېر تشدده اعلی حکومتیو وویشل شو، بیاهم له

کورنیو جګړو او د سیالیو سخت هغوي سره مقابله وکړه تردي چې له خپلواکی نه د دیموکراسی تر لسیزی ټولنه زمورد حکومت تر شا ودریده

په نولسمه پیړی کې افغانستان په لاهنه پرېښوده، ده په دېر تشدده اعلی حکومتیو وویشل شو، بیاهم له

کورنیو جګړو او د سیالیو سخت هغوي سره مقابله وکړه تردي چې له خپلواکی نه د دیموکراسی تر لسیزی ټولنه زمورد حکومت تر شا ودریده

په نولسمه پیړی کې افغانستان په لاهنه پرېښوده، ده په دېر تشدده اعلی حکومتیو وویشل شو، بیاهم له

کورنیو جګړو او د سیالیو سخت هغوي سره مقابله وکړه تردي چې له خپلواکی نه د دیموکراسی تر لسیزی ټولنه زمورد حکومت تر شا ودریده

په نولسمه پیړی کې افغانستان په لاهنه پرېښوده، ده په دېر تشدده اعلی حکومتیو وویشل شو، بیاهم له

کورنیو جګړو او د سیالیو سخت هغوي سره مقابله وکړه تردي چې له خپلواکی نه د دیموکراسی تر لسیزی ټولنه زمورد حکومت تر شا ودریده

په نولسمه پیړی کې افغانستان په لاهنه پرېښوده، ده په دېر تشدده اعلی حکومتیو وویشل شو، بیاهم له

کورنیو جګړو او د سیالیو سخت هغوي سره مقابله وکړه تردي چې له خپلواکی نه د دیموکراسی تر لسیزی ټولنه زمورد حکومت تر شا ودریده

په نولسمه پیړی کې افغانستان په لاهنه پرېښوده، ده په دېر تشدده اعلی حکومتیو وویشل شو، بیاهم له

کورنیو جګړو او د سیالیو سخت هغوي سره مقابله وکړه تردي چې له خپلواکی نه د دیموکراسی تر لسیزی ټولنه زمورد حکومت تر شا ودریده

په نولسمه پیړی کې افغانستان په لاهنه پرېښوده، ده په دېر تشدده اعلی حکومتیو وویشل شو، بیاهم له

کورنیو جګړو او د سیالیو سخت هغوي سره مقابله وکړه تردي چې له خپلواکی نه د دیموکراسی تر لسیزی ټولنه زمورد حکومت تر شا ودریده

په نولسمه پیړی کې افغانستان په لاهنه پرېښوده، ده په دېر تشدده اعلی حکومتیو وویشل شو، بیاهم له

کورنیو جګړو او د سیالیو سخت هغوي سره مقابله وکړه تردي چې له خپلواکی نه د دیموکراسی تر لسیزی ټولنه زمورد حکومت تر شا ودریده

په نولسمه پیړی کې افغانستان په لاهنه پرېښوده، ده په دېر تشدده اعلی حکومتیو وویشل شو، بیاهم له

کورنیو جګړو او د سیالیو سخت هغوي سره مقابله وکړه تردي چې له خپلواکی نه د دیموکراسی تر لسیزی ټولنه زمورد حکومت تر شا ودریده

په نولسمه پیړی کې افغانستان په لاهنه پرېښوده، ده په دېر تشدده اعلی حکومتیو وویشل شو، بیاهم له

کورنیو جګړو او د سیالیو سخت هغوي سره مقابله وکړه تردي چې له خپلواکی نه د دیموکراسی تر لسیزی ټولنه زمورد حکومت تر شا ودریده

په نولسمه پیړی کې افغانستان په لاهنه پرېښوده، ده په دېر تشدده اعلی حکومتیو وویشل شو، بیاهم له

کورنیو جګړو او د سیالیو سخت هغوي سره مقابله وکړه تردي چې له خپلواکی نه د دیموکراسی تر لسیزی ټولنه زمورد حکومت تر شا ودریده

په نولسمه پیړی کې افغانستان په لاهنه پرېښوده، ده په دېر تشدده اعلی حکومتیو وویشل شو، بیاهم له

کورنیو جګړو او د سیالیو سخت هغوي سره مقابله وکړه تردي چې له خپلواکی نه د دیموکراسی تر لسیزی ټولنه زمورد حکومت تر شا ودریده

په نولسمه پیړی کې افغانستان په لاهنه پرېښوده، ده په دېر تشدده اعلی حکومتیو وویشل شو، بیاهم له

کورنیو جګړو او د سیالیو سخت هغوي سره مقابله وکړه تردي چې له خپلواکی نه د دیموکراسی تر لسیزی ټولنه زمورد حکومت تر شا ودریده

په نولسمه پیړی کې افغانستان په لاهنه پرېښوده، ده په دېر تشدده اعلی حکومتیو وویشل



MR. HAMED KARZAI SPEECH IN (ARG MOSQUE)

Dear Ulema of Afghanistan
The past month was not a happy month for Afghanistan, for our people, ulema and our elders. A great number of Afghans lost their lives in the past month – some blown out with bombs, some killed in border infiltrations, some scorched to death in car bomb in Helmand, some killed as Taliban, others as ordinary people. It is deeply saddening indeed.

Some days back, I was informed about two young men who had been arrested in Ghazni. Both as young as 18 or 19 had been carrying explosives. When asked about their purpose for being there, they had indicated that a certain religious scholar whom I know well but choose not to name here - had instructed in Chaman, Pakistan, to cross over to Afghanistan and kill those working on the road project. It strikes me as a disquieting fact that, of all places, a "Madrassa"- the cradle of religion and ethics- becomes the place where students are instructed to kill and bomb. When a young Afghan, whose intention of entering the country to kill the road workers, it spells disaster for Afghanistan, whether or not he succeeds in his ominous mission. Whether the young man gets killed are imprisoned, are the road gets destroyed, are both, it's Afghanistan that loses, whatever the outcome.

Thinking about this is distressing. Several days later, I heard the news of a school in Logar which was burnt down. The following day, some newspaper journalist had taken a picture of the children sitting in their burnt out classroom. Nothing but the ashes of what used to be a tent-classroom remained, but the young students simply refused to leave school. This does inspire hope.

Usually in the afternoons – around 3 o'clock – when I have a bit of quite time off my daily work, I take a look at the day's news. It was one of these recent

days when I cam across committing murder – a price lives. another rather upsetting story. which he accepted – perhaps One of the foreign newspapers had written about two young

prisoners in the Qandahar prison. Both men were Taliban

– Taliban, in the sense of weighing heavily over my roads, schools and other means religious students rather than mind lately. Then there were of welfare. How is it that the usual political meaning of the events in Dai Chopan and having your road built, your word. The prisoners had about 200 people got killed Madrassa maintained and your been asked about their stories there. To take out a few children educated to become and their reasons for being in possible foreigners, and engineers and doctors, are the prison. Both had been despite the fact that the whole perfectly Islamic for you, but studying in Madressas in episode may have been un-Islamic when it comes to

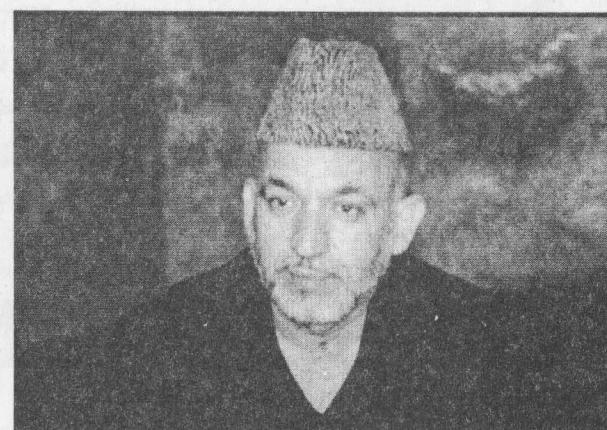
Pakistan before coming to orchestrated from outside me? How is it that fighting Afghanistan, the people who elections, negotiating with One of the two said that, for died were all Afghans, rival parties, having transport almost a year before coming to nonetheless. The afghan and trade with foreign lands, Afghanistan, his tutor at the mothers lost their children, are perfectly Islamic for you, Madrassa had been injecting women lost husbands, and but un-Islamic as far as I am

into his mind the idea of returning to Afghanistan and taking part in the Jihad there. "For the last nine months, the young Talib said, "the only thing I heard in the Madrassa was the sermon urging me to return to Afghanistan and take part in Jihad by killing the provincial governor, the district governor, or the soldiers."

At the end of the nine months, the young Afghan had finally relented and set out to embark on a deadly mission. He had been arrested by Afghan security forces shortly after crossing into Afghanistan from both, it's Afghanistan that loses, whatever the outcome.

The second young man, around 22-23 years old, had confirmed that instigation to take part in Jihad formed much of his lessons too at the Madrassa he attended. However, he had only accepted to take up the mission after a sum equivalent

of 55 dollars was offered to him. His instructions were to take the 55 dollars; cross into Afghanistan where weapon would be delivered to him; carry out the job assigned to him; and return to Pakistan where he would receive the remaining part of his monetary reward. 55 dollars, which roughly comes to 2000-2500 Afghanis, was the price offered to this young man for



children became orphans.

I decidedly chose to talk today and to use this gathering today to address those Madrassa managers and so-called ulema of Islam sitting in Pakistan, who is sending my son – the innocent Afghan Talib – to Afghanistan to kill and/or get killed. He sends my son to death, while ensuring that his own son gets education, builds a career, becomes a scholar, then stands in elections, becomes a politician and lives a normal life. He strives to overturn my Shura (parliament), while trying to secure the success of his.

Now, I don't really think that Afghanistan in any less Islamic – in any sense – than any other country. Don't you agree dear Ulema? This is the same Afghanistan that took Islam to the sub-continent after Islam took roots in the region. And this is the same Afghanistan that caused the breaking of Soviet Union. We kept the banner of Islam hoisted – at the cost of 1.5 million sacrificed

I ask these so-called Ulema, do you think it is fair that my child should die and my country get

Dear scholars. These stories have been destroyed, while you build you

– the word. The prisoners had about 200 people got killed Madrassa maintained and your

been asked about their stories there. To take out a few children educated to become

and engineers and doctors, are

the prison. Both had been despite the fact that the whole perfectly Islamic for you, but

studying in Madressas in episode may have been un-Islamic when it comes to

Afghanistan, the people who elections, negotiating with

One of the two said that, for died were all Afghans, rival parties, having transport

almost a year before coming to nonetheless. The afghan and trade with foreign lands,

Afghanistan, his tutor at the mothers lost their children, are perfectly Islamic for you, Madrassa had been injecting women lost husbands, and but un-Islamic as far as I am

concerned? How is that, for me, you wish to send death and destruction? You wish my men dead, my mothers childless, my women widowed and my children orphaned. You wish my roads destroyed, my life reduced to poverty. What kind of Islam is this? What kind of brotherhood is

this? What kind of neighborliness is this?

I want that our people in general and our Ulema in particular, find a solution to this situation. It becomes both a religious and a national obligation - a duty both towards God and Almighty and toward the homeland. I want that the children of this land must no longer be killed in the mountains under any name.

Who were the 200 men who died in those mountains? They were no one else, my brothers, but the children of this very land. How long can this killing be allowed to go on? It must be brought to an end. We ought to bring it to an end.

Distinguished Ulema,

I am not saying that all Madrassas in Pakistan are to be blamed. No! The Afghan nation is indebted to the nation of Pakistan. For over 20 years, we were taken very good care of our kids were treated like their own. For over 20 years, we lived in Pakistan, with

Pakistanis, just like two brother nations. The two peoples are brothers and sisters, and our Ulema are tied with a bond of friendship. Afghanistan and Pakistan are brothers; the two governments are brothers; and the two nations are brothers.

My purpose is not to blame the Ulema of Pakistan, nor the leaders of the country, and least of all its people. Today, I am rather addressing certain individuals and groups. Those who are few in numbers, and who pretend to be running Madrassas for the study of religion, but who in reality train militants for Afghanistan. I address those whose malign intention is to bring about the destruction of Afghanistan.

I want that our Ulema and the Ulema of Pakistan should sit together and consider the problem of those elements that are damaging religion under the banner of religion. They must be stopped. Afghanistan and its people must be left to themselves. Afghanistan in a Muslim nation, and a good Muslim nation at that. It is a brave nation, a dignified nation. It may be a poor Muslim nation, but the citizens of Afghanistan are entitled to what constitutes the basic right of any Muslim, or indeed any human being: The right to life and livelihood. The right to be secure from killing and injury; the right to have a home, a family and children; the right to possess land and farm. The right to have dignity; the right to be treated and fairness, and spared from oppression.

What kind of Islam is it, for God's sake, I say to those so-called Ulema. You and your family will have access to a good hospital, while my wife will be forced to travel for 12 hours on rough roads in the back of a pick-up vehicle in order to get to the nearest hospital – usually on your side of the border. What kind of Islam is it that you are envisioning for us? My women, elderly and youth will be dependent on you forever. Your children will have a